

اندیشه

تحلیل محسن مطلق



یاران صدر

بررسی حیات علمی شاخص شاگردان شهید آیت‌الله سیدباقر صدر

آیت‌الله شهید سیدمحمد باقر صدر، از جمله بزرگ‌ترین اندیشمندان معاصر است که به‌درستی می‌توان از ایشان به عنوان حکیم یاد کرد. فقهی‌ی جامع‌الشرایط، آشنا به فلسفه، مسلط به تفسیر، و متفکری آگاه به علوم زمانه و موضوعات فرهنگ، اقتصاد، سیاست و جامعه‌شناسی بود. شهید صدر علاوه بر فعالیت‌های ارزنده علمی و تدوین بررسولات مهم و تألیف آثار ماندگاری چون «اقتصادنا» و «فلسفتنا» شاگردان بزرگی نیز تربیت نمود که در مسیر استاد حرکت نموده و منشا آثار و فعالیت‌های علمی آینده‌ای در زمینه‌نوسازی در علوم دینی و احیای معارف اسلامی متناسب با مقتضیات زمانه شدند. این شهید بزرگوار که از افتخارات مرجعیت روز آمد شیعه به حساب می‌آید، به اعتراف شاگردان از حافظه و استعدادی سرشار برخوردار بود و توانست با نوآوری‌های فراوان در فقه و اصول و دیگر علوم اسلامی و به‌روز ساختن مباحث علوم دینی و نیز نگاشتن کتب درسی در زمینه‌های یاد شده، گام مهمی برای تعالی اسلام و تشیع بردارد و از این رهگذر، شاگردان او نیز این اندیشه‌ها را پی گرفتند. در یادداشت پیش‌رو به بررسی حیات علمی چند نفر از شاگردان ایشان پرداخته شده‌است.

■ ■ ■

■ **آیت‌الله شاهرودی؛ وارث صدر**
آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی را می‌توان یکی از اصلی‌ترین شاگردانی دانست که آیت‌الله صدر در طول حیات خود تربیت نمود و معتمد خویش ساخت. پدر ایشان از بزرگان و اساتید حوزه علمیه نجف بود و در مبارزه با رژیم بعث مشارکت داشت. تاجایی که سه تن از فرزندانش توسط صدام دستگیر و اعدام شدند و سیدمحمود نیز توسط این رژیم به زندان افتاد و مورد شکنجه‌های فراوان بدنی و روحی قرار گرفت. وی که در پی تظاهرات مردم عراق بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام(ره) مجدداً تحت‌پیگرد رژیم بعث قرار گرفته بود، به سفارش شهید آیت‌الله صدر(ره) به وطن خود بازگشت تا وکالت عام شهید صدر در ایران و نمایندگی او را نزد امام‌خمینی(ره) بر عهده‌گیرد.

او با ورود به‌ایران به خدمت امام‌خمینی(ره) مشرف شد و با موافقت ایشان، رابط امام(ره) و شهید صدر شد و پیام‌های علمی نجف را به سمع امام(ره) می‌رساند. او با دستور آیت‌الله‌العظمی‌خامنه‌ای که در آن زمان با حکم امام(ره) مسئولیت‌نهیض‌های اسلامی را بر عهده داشت، تشکیلات جامعه روحانیت مبارز و مجلس اعلای عراق را به راه انداخت و آن را مدیریت و سازماندهی کرد.

امام(ره) نیز با شناختی که از شخصیت علمی مرحوم شاهرودی داشت، تدریس و بررسی مسائل فقهی، خصوصاً احیای فقه حکومتی استوار بر ادله استنباط جواهری را بر عهده وی گذاشت. درواقع آیت‌الله هاشمی شاهرودی را می‌توان در زمینه علوم اسلامی و فقه، متأثر از اندیشه‌سه استاد (امام

خمینی، شهید صدر و آیت‌الله خوئی) دانست که از این میان ارتباط وثیق و تنگاتنگ ایشان با شهید صدر جنس ویژه‌ای داشت. هاشمی شاهرودی از مهم‌ترین شاگردانی است که بر درس شهید صدر تقریر نوشته است و کتاب «چوت فی علم‌الاصول» شامل تقریر درس‌های اصول شهید صدر در هفت جلد از جمله این موارد است. وی تنها فردی بود که از شهید سیدمحمدباقر صدر اجازه اجتهاد کتبی داشت.

از جمله دیدگاه‌هایی که ایشان را به نقطه نظرات فقهی‌نظیر امام‌خمینی(ره) و شهید صدر نزدیک می‌کند، توجه کامل به موضوع حکومت و سیاست در فقه است.

به باور آیت‌الله هاشمی شاهرودی حقیقت، مغز و هویت دین، حاکمیت و سرپرستی و تصدی‌گری اجتماع مردم است. تعبیر وی در این زمینه: «هر کس ادعای رسیدن به درجه فقا‌هت را داشته باشد، اما حکومت را در فقا‌هت نبیند، فقه را نچشیده‌است» مؤید همین تأکید است. بدین معنی که حکومت، مغز دین‌مداری است و دین بدون حکومت معنا ندارد.

از منظر شهید صدر تفاوت میان آقای صدر و امام با دیگر فق‌های عزیز ما این بود که گرچه ایشان همانند دیگران همین روایات را خواندند، اما به این باور رسیده بودند که اساس دین، بر اساس حاکمیت و تحت پوشش حکومت می‌تواند جلوه پیدا کند و دین بدون حکومت اصلاً اساس ندارد. حتی برخی مبانی دین از جمله امر به معروف نیز در دیدگاه تفسیری ایشان صرفاً زمانی قابل عمل و استعمال است که تحت لوای حکومت دینی اجرا شوند.

از جمله دیگر فعالیت‌های علمی این شهید مربوط به وظیفه‌های است که رهبر انقلاب در زمینه تدوین فقه اهل بیت در قالب دایره‌المعارف به عهده ایشان گذاشت و وی زمان زیادی را برای تهیه این دایره‌المعارف (تا کنون به ۴۶ جلد رسیده است) مصروف نمود.

در مدتی نیز که ایشان با حکم رهبری ریاست‌قوه قضائیه کشور را بر عهده داشتند، از پژوهش‌های معرفتی دور نماندند و تدوین آثار و مقالات فراوانی درخصوص موضوعاتی چون آیین دادرسی، فقا‌هت، مجازات اسلامی و… را در فقه اسلامی، به جای گذاشت.

■ **حکیم؛ با‌زوی صدر**



خوئی و خصوصاً آیت‌الله صدر بود، از مؤسسان رشته‌های علوم قرآنی در دانشگاه‌های عراق به حساب می‌آید. وی در اقامتی که در ایران داشت، از دروس خارج حوزه علمیه قم نیز بهره‌مند شد و قضاوت، جهاد، ولایت فقیه، امر به معروف و… را در دروس خارج تلمذ کرد. وی در این مدت با جایگاه علمی شناخته شده خود علاوه بر تدریس در حوزه علمیه، به آموزش

داده‌ها

در خصوص فعالیت‌ها و آثار علمی شهید آیت‌الله حکیم علاوه بر آثار متعدد در حوزه علوم قرآنی و تفاسیر سوره‌های مختلف قرآن، باید به آثار مهمی اشاره کرد که مبتنی بر فقا‌هت نوین و با نگاه به التزامات جدید اسلامی و اقتضائات جامعه نگاشته است

علوم مختلف انسانی از جمله «تفسیر»، «فقه»، «تاریخ»، «اقتصاد»، «علوم سیاسی» و «جامعه شناسی» در برخی دانشگاه‌های مطرح ایران مانند دانشگاه مذاهب اسلامی و دانشگاه امام صادق (ع) بر اساس منظومه فکری و آموخته‌هایش از اندیشه شهید صدر پرداخت.

آیت‌الله حکیم نسبت عاطفی زیادی با دو رهبر معنوی شیعیان در عراق و ایران برقرار نموده بود؛ به طوری که شهید صدر ایشان را «بازوی فداکار من» نام نهاده بود و امام خمینی(ره) وی را با عبارت «فرزند شجاع اسلام» مورد خطاب قرار داده بود.

در خصوص فعالیت‌ها و آثار علمی شهید آیت‌الله حکیم علاوه بر آثار متعدد در حوزه علوم قرآنی و تفاسیر سوره‌های مختلف قرآن، باید به آثار مهمی اشاره کرد که مبتنی بر فقا‌هت نوین و بسا نگاه به التزامات جدید اسلامی و اقتضائات جامعه نگاشته است. «نگاهی به اسلام و روابط اجتماعی»، «نقش فرد در تنوری اقتصادی اسلام»، «حکومت اسلامی در تنوری و عمل»، «حقوق بشر از دید اسلام»، «روابط میان رهبری و امت اسلامی» و «تأثیر اهل بیت در ساختار امت اسلامی» از جمله این آثار است.

مبارزات سیاسی و فعالیت‌های اجتماعی این عالم و رهبر شیعه در عراق تنها مربوط به روحیه جهادی وی نبود، بلکه بر خاسته از عمق بینش و تفکرات سیاسی ایشان ونسبت‌سنجی فعالیت سیاسی با بینش سیاسی بود که این نگرش را به خوبی می‌توان در آثار ثبت و ضبط شده از ایشان نظیر «پیکار جهادگونه و آثار آن»، «کنشکش مدرنیته»، «نقش مراجع دینی در انگیزش امت»، «روش فرهنگ سیاسی»، «مبارزه مسلحانه در اسلام»، «طرح سیاسی نظامی» و «استراتژی آینده ما» مشاهده نمود.

همچنین آثار شهید حکیم به توصیف حیات علمی استاد خود، خصوصاً در کتاب‌های «دیدگاه سیاسی شهید صدر» و «حوزه علمیه و مرجعیت: شهید صدر»

داده‌ها

آیت‌الله هاشمی شاهرودی را می‌توان در زمینه علوم اسلامی و فقه، متأثر از اندیشه سه استاد (امام خمینی، شهید صدر و آیت‌الله خوئی) دانست که از این میان ارتباط وثیق و تنگاتنگ ایشان با شهید صدر جنس و ویژه‌ای داشت

پرداخته است.

شهید محمد باقر حکیم شاگردان زیادی را نیز در حوزه نظام‌سازی اسلامی پرورش داد و افرادی چون شهید سید عبدالصاحب حکیم، شهید سید عباس موسوی و حجت‌الاسلام محمد باقر مهری از آن جمله‌اند.

ایشان با همکاری چند تن از دوستانش، در سال ۱۳۶۲ ش. مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق را در ایران تشکیل داد. ایشان در ابتدا به عنوان سخنگوی مجلس مشغول به فعالیت شد و سپس چهار سال بعد، در سال ۱۳۶۶ در ریاست مجلس برگزیده شد. تقریباً در همین سال، مجلس اعلا، یک شاخه نظامی تشکیل داد که بعدها سپاه بدر نام گرفت. شهید حکیم، شخصاً فرماندهی سپاه بدر را بر عهده داشت. آیت‌الله حکیم در مدت ۲۲ سال تبعید، از هفت حادثه سوء قصد که توسط رژیم بعثی ترتیب داده شده بود، جان سالم به در برد اما نهایتاً ۱۶ سال پیش و در شهریور ۸۲ پس از اقامه نماز جمعه حرم امیرالمؤمنین(ع) در یک حادثه تروریستی به شهادت رسید.

■ **سیدکاظم حائری؛ مؤلف اصول فقه در سیاست**



آیت‌الله سید کاظم حائری نیز از فقیهان برجسته حوزه علمیه قم است که به تدریس فقه و اصول در حوزه اشتغال دارد. ایشان نیز که در جزه تفریر نویسان بر جسته دروس آیت‌الله صدر در نجف بودند مخصوصاً در، نظریات شهید صدر را مورد تالیف و تفسیر کرده‌اند. به واسطه تأملات علمی استاد در موضوع فقه حکومتی، آیت‌الله کاظم حائری نیز آثار زیادی در زمینه فقه سیاسی به جای گذاشتند که از آن جمله می‌توان به «شورا و ولایت فقیه»، «جهاد در دوران غیبت»، «ولایت امر در عصر غیبت» و «اساس حکومت اسلامی» اشاره کرد که در تألیف اخیر، به مقایسه نوین و ابتکاری بین سه نظام «دموکراسی»، «شورایی» و «ولایت فقیه» از منظر شباهات و تفاوت‌ها پرداخته‌اند.

در تعریف وی «نظام دموکراسی، مدل حکومتی اکثر کشورهای غربی است و نظام شورایی، نظامی است که از سوی اهل سنت پیشنهاد می‌شود و ولایت فقیه نیز نظریه حکومتی شیعه در دوران معاصر است.» حائری جهان کنونی را «فراق در ظلمت و عذاب» می‌بیند و معتقد است «علی‌رغم آن که اندیشمندان غربی همواره روش‌ها و اسلوب‌های مختلف فلسفه سیاسی را براساس آخرین تجربه‌های اجتماعی مطرح می‌کنند باز هم گرفتار مشکلات و معضلات زیادی هستند.» در نگاه حائری، مشکل اساسی در نظام فلسفی حاکم بر دموکراسی این است که در مباحث فلسفه سیاسی خود از دو عنصر اساسی غافل هستند که «رسیدن به سعادت اخروی» و «برآورده ساختن رضایت الهی» است. تجربه‌های طولانی بشر اثبات کرده است که سعادت دنیوی تأمین نخواهد شد مگر آنکه مدل حکومتی مبتنی بر اصول وحیانی باشد.

وی در اثبات نظریه ولایت فقیه نیز همچون بسیاری دیگر از فق‌های معاصر فلسفه‌گرا، از دو دسته دلایل

عقلی و نقلی بهره می‌گیرد. در عصر غیبت، حکومت اسلامی بر عهده ولی فقیه است و در ولی فقیه عدالت و شایستگی شرط است.

وی در تبیین حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه، مشورت با خبرگان و متخصصان را امری لازم و واجب دانسته و معتقد است در این نحوه حکومت، اگر چه انتخابات عصری اصلی و اولی نیست اما اگر شرایط و اوضاع زمان اقتضا کند که برخی از مسئولیت‌ها مانند نمایندگی در مجلس شورا و غیره با انتخابات برگزار شود واجب است که ولی فقیه این انتخابات را به رسمیت بشناسد. به نظر وی، این حثیت نظری حکومت اسلامی عام است و کل جهان را شامل می‌شود ولی از نظر عملی محدوده حکومت اسلامی به قدر توانایی واستطاعت امت اسلامی است.

در تبیین اصول فقا‌هت شیعه نیز حائری متأثر از بینش اقتضایی شهید صدر، احاطه بر اوضاع زمانه را از شروط ولی فقیه برمی‌شمرد و معتقد است درباره ولی فقیه اعلمیت شرط است ولی تنها اعلمیت فقهی مراد نیست؛ بلکه ولی فقیه باید در مجموع از حیث درک و فهم مسائل اجتماعی و سیاسی و مسائل روز و نیز احکام اسلامی اعلم از دیگران باشد.

موضوع دیگری که حائری در این زمینه کوشیده بیعت است که اگر چه از شرایط ولایت فقیه شمرده شده، اما آن را فقط در «تنجیز» ولایت شرط دانسته و نه در «تواصل» آن. به این معنا که بیعت مردم با یک ولی فقیه، برای او ولایت نمی‌آورد بلکه این بیعت باعث می‌شود که ولی فقیه ولایتی که از ناحیه خدا و رسول(ص) دارد بتواند اعمال کند. به ادعای وی، اگر بیعت را به معنای جعل ولایت از طرف مردم بدانیم این نظریه به همان نظریه قرار داد اجتماعی در نظام

داده‌ها

به باور آیت‌الله هاشمی شاهرودی حقیقت، مغز و هویت دین، حاکمیت و سرپرستی و تصدی‌گری اجتماع مردم است. تعبیر وی در این زمینه: «هر کس ادعای رسیدن به درجه فقا‌هت را داشته باشد، اما حکومت را در فقا‌هت نبیند، فقه را نچشیده‌است» مؤید همین تأکید است

دموکراسی بازمی‌گردد که از نظر فقه اسلامی نمی‌تواند ملاک مشروعیت حکومت باشد.

■ **سیدکمال حیدری؛ فقیه صدرایی جهان عرب**



از دیگر شاگردان بنام شهید صدر می‌توان به آیت‌الله سیدکمال حیدری اشاره کرد. وی از همان دوران نوجوانی به تعلیم دروس حوزوی در نجف پرداخت و از اساتدانی مثل

سید محمدباقر صدر، سید ابوالقاسم خوئی و میرزا علی غروی بهره برد و از میان این اساتید بیشتر از روش علمی و شخصیت اجتماعی صدر تأثیر گرفت به گونه‌ای که وکیل شرعی وی در گریلا شد. حیدری پس از شهادت شهید صدر مجبور به مهاجرت به قم شد و در حوزه علمیه قم نیز از محضر عالمانی چون آیت‌الله جواد تبریزی و حسین وحید خراسانی در فقه و اصول، و آیت‌الله عبدالله جوادی آملی و علامه حسن‌زاده آملی در تفسیر و فلسفه و عرفان استفاده کرد و به جایگاه استادی رسید. حضور در کلاس‌های شهید صدر، آیت‌الله جوادی و علامه حسن‌زاده از وی یک فقیه با رویکرد فلسفه صدرایی ساخته است و معارف شیعه را نیز با همین رویکرد تبلیغ می‌کند. وی که دیدگاه تقریبی و وحدت‌گرای

صراط

شهید صدر قطعاً یک نابغه بود



مرحوم شهید صدر قطعاً یک نابغه بوده‌این یک خصوصیتی است. خب، ما آدم‌های بااستعداد در حوزه‌های علمیه کم نداشتیم؛ آدم‌هایی که فهم داشتند، سلیقه داشتند، پشتکار داشتند و کارهای بزرگی انجام دادند. علمای بزرگ ما مثل همین مراجع بزرگی که در این ۱۰۰ سال اخیر در ایران و عراق وجود داشتند همه مردمان بزرگی بودند. استعداد داشتند منتها نابغه یک خصوصیتی دارد که در اغلب این افراد، انسان این نبوغ را احساس نمی‌کند. مرحوم آقای صدر(رضوان‌الله‌علیه) به نظر بنده قطعاً نابغه بود؛ یعنی کاری که از عهده او برمی‌آمد، از عهده خیلی از فق‌ها و علما و متفکرین حوزه‌های ما بر نمی‌آید.

فضای دید بسیار وسیع، فهم نیازهای دنیای اسلام، پاسخگویی سریع و آماده به خواسته‌ها -ایشان همین «البنک اللبوری» را در جواب درخواست دولت پاکستان نوشت؛ انطوری که شنیدم آنها می‌خواستند یک کار این‌جوری درست کنند، ایشان بلافاصله این اکتاب را فراهم کرد و برای آنها فرستاد... ایشان واقعا یک نابغه‌ای بود، مسائل را می‌فهمید، مسائل را حدس می‌زد.

بیانات رهبر انقلاب در دیدار اعضای پژوهشگاه شهید سید محمدباقر صدر

۹۵/۵/۲۵

میان جهان اسلام دارد در شبکه‌های مختلف تلو‌یزونی به محاجه عقلی با وهابیت به عنوان یکی از بزرگ‌ترین موانع وحدت در جهان اسلام می‌پردازد.

معارف فقهی که وی از طریق حوزه و شبکه‌های تلو‌یزونی تدریس می‌کند به عقیده برخی برگرفته از رویکردی است که امام خمینی(ره) و علامه طباطبایی(ره) در جهان‌بینی بدان معتقد بوده و آن را تدریس نمی‌نمودند. با این وجود البته همین التزام به معرفت‌شناسی صدرایی برخی منتقدان عرفان و فلسفه اسلامی در میان علمای شیعه را نیز به مخالفت با روح این اندیشه‌ها و مقابله با وی برانگیخته است.

کمال حیدری در مسائلی علمی اعتقاد دارد برای آنکه فردی اسلام‌شناس و مجتهد به معنی عام در معارف اسلامی شود، بایستی تا حد امکان به تمامی علوم اسلامی -که از نظر او شامل تفسیر قرآن، علوم قرآنی، علوم حدیث، رجال، درایه، فقه، اصول، عقاید، فلسفه و عرفان، می‌شود- مسلط باشد؛ چرا که همه اینها در یک منظومه معرفتی اسلام‌شناسانه جای می‌گیرند، و به منظور صدور فتوا تسلط به همه این ابواب مورد نیاز است.

مجتهد محقق نیز در نگاه حیدری کسی است که در همه این عرصه‌ها به تبیین پایه‌گذاری بنیان‌های معرفتی خود بر مبنای عقل و نقل پرداخته است.

از همین رو خود او هم سالیان زیادی را به تعلیم و تعلم حوزه‌های گوناگون معارف اسلامی پرداخته و از منظر این جامعیت شاید در میان مجتهدین معاصر در قید حیات خصوصاً در میان عرب‌زبانان شیعه، نمونه‌های چندانی اینگونه وجود نداشته باشد که مخصوصاً چشمه فلسفه مبانی و معانی آن -که علامه طباطبایی را می‌توان سر‌دمدار معاصر این تفکر دانست- نوشیده باشد.

با توجه به مدل فکری بر گرفته از امام و شهید صدر(ره) وی نیز در عرصه فقا‌هت به اهمیت عناصر زمان و مکان در افتابیش از سایر فق‌های اصولی اهمیت داده و آن را در اجتهاد مؤثر برمی‌شمرد.

از جمله دیگر دیدگاه‌های وی آن است که برای اصلاح مشکلات حوزه‌های دینی، باید محوریت اصلی را به سمت قرآن، و نه به سمت روایات برد؛ یعنی این معنا که باید کل منظومه معارف دینی، چار‌چوب‌های اصلی و خط‌های قرمز آن را از قرآن گرفت و از روایات و احادیث برای تشریح و تفسیر قرآن بهره جست.

آثار حیدری نشان می‌دهد وی پروژه اصلاح‌گری دینی را دنبال می‌کند که بر مبنای بازگشت به اسلام قرآن‌محور (مقابل اسلام حدیث‌محور) است. او معتقد است چنان‌که روایات اهل سنت اغلب تحت تأثیر حکومت‌ها و فشارهای سیاسی انبوهی از خواسته‌های حکومت‌ها را در خود جای داده‌اند، روایات شیعه نیز به دلیل واکنش در مقابل آنها شامل انبوهی از ادعا‌ها و دیدگاه‌های با‌ثبوت کمتر است.

از همین رو معتقد است قرآن و احکام قطعی عقلی‌اند که باید محور دین قرار گیرند و روایات تفسیر‌کننده اجمالی هستند که از این دو منبع فیمیده می‌شود. پس معیار اعتبار احادیث به صحت سلسله اسناد آن، بلکه مطابقت آن با قرآن است.

حیدری، وی گرچه اکتفای مستقل به حدیث را بر خطا می‌خواند، اکتفا به قرآن را که آریان دنبال می‌کنند نیز نادرست می‌داند و در میان اهل سنت، اهل حدیث را و در میان شیعیان راه‌رو دو دسته اخباریان و اصولیان را در شمار این گرایش می‌آورد. از دید حیدری، گرایشی درست، محور بودن قرآن و مدار بودن سنت است.

آیت‌الله حیدری علاوه بر تدریس در زمینه‌های مختلف علمی به تألیف آثاری پرداخته که بالغ بر ۱۰۰ جلد کتاب در حوزه‌های گوناگون قرآنی-تفسیری، فقهی -اصولی، عقیدتی- کلامی، فلسفی-منطقی، اخلاقی-عرفانی می‌شود.البته اغلب کتاب‌های او به زبان عربی است و تعداد اندکی از آنها به فارسی ترجمه شده است. تعدد آثار و تنوع موضوعی تألیفات وی سبب شده آثار این شاگرد شهید صدر، با آثار شهید مرتضی مطهری قابل مقایسه شمرده شود.